

تکفیر از دیدگاه بزرگان دیوبند

🔴 حجت‌الاسلام میثم صفری

مکتب «دیوبند» امروزه یکی از مهم‌ترین جریان‌های دینی در جهان اسلام است که نفوذ و گسترش قابل‌توجهی در میان مسلمانان جنوب آسیا پیدا کرده و حتی دارای اهمیت سیاسی بین‌المللی می‌باشد، لذا شناخت و بررسی تفکرات آن بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

🔴 معیار اسلام و کفر در نگاه دیوبند

بزرگان دیوبند مثل انور شاه کشمیری و کاندهلوی و محمد شفیع عثمانی و بسیاری دیگر اقرار شهادتین را برای مسلمان بودن کافی می‌دانند و معتقدند کسی حق ندارد، او را تکفیر کند همان‌گونه که بزرگان فقهی این مذهب مثل ابوحنیفه (دیوبند ازنظر فقهی حنفی می‌باشند) مسلمانان را تکفیر نکرده‌اند می‌گوید: مذهب حنفیه هیچ‌یک از اهل قبله را به خاطر گناه تکفیر نمی‌کند و یا «ملاعلی قاری (از بزرگان حنفی متوفای ۱۰۱۴) می‌گوید داخل کردن کافر در ملت اسلام و یا خارج کردن مسلمان از ملت اسلام کاری بس بزرگ و خطرناک است» بزرگان دیوبند در تعریف ایمان تصدیق را آورده‌اند و عمل هیچ جایگاهی ندارد لذا مسلمین را به خاطر انجام برخی اعمال از اسلام خارج نمی‌کند آن‌ها در تعریف ضروری دین می‌نویسند، ضروری آن چیزی است که ضرورتا از دین فهمیده می‌شود به اینکه تواتر یا استفاضه و یا عامه بر آن علم داشته باشند مثل وحدانیت و ختم نبوت.

🔴 کافر کیست؟ کفر چیست؟

جناب آقای کشمیری و تهانوی و غیره در موارد متعدد بیان کرده است که اگر شخص مکلف و مختار و عاقل و غیر مکره شی معلوم‌های از کتاب الله یا از پیامبران را تکذیب کند، کافر می‌شود.

🔴 مشرک کیست؟

تعریف بزرگان دیوبند و شیعه در باب شرک نزدیک است، شاه ولی الله دهلوی می‌نویسد حقیقت شرک این است که صفات خاصه خداوند را برای غیر خداوند اثبات کند مثل اثبات تصرف مطلق (کن فیکون) برای غیر خدا. اشرف علی تهانوی می‌گوید، حقیقت شرک این است که خواص واجب را برای ممکن ثابت کند و اعتقاد به وجود صفات وجوبی در ممکن باشد و اگر کسی اعتقاد داشته باشد که صفاتی که مختص خداست مثل قدرت عامه و علم و غیره برای غیر خدا هم ممکن است، مشرک می‌شود.

مشکل جریان‌های تکفیری در تعریف و مصادیق شرک است و به بهانه‌های مختلف مذاهب اسلامی را تکفیر می‌کنند اما بزرگان دیوبند برخلاف آن‌ها در این امر بسیار محتاط عمل کرده و تکفیر نمی‌کنند، گرچه می‌گوید: «بوسیدن قبر و سجده بر آن و گذاشتن سر بر قبر حرام و ممنوع می‌باشد.»

🔴 جریان‌های تکفیری دیوبند

آقای ضیاء الرحمن فاروقی رئیس اسبق سپاه صحابه پاکستان که به دست افراد ناشناس ترور شد گرایش افراطی گرفته و در مقابل رشد انقلاب اسلامی ایران کتابی علیه رهبر ایران به نام الإسلام و الخمینی نوشت، وی انگیزه تأسیس سپاه صحابه مبارزه با تبلیغات علیه صحابه و خلفای راشدین از سوی رهبر جمهوری اسلامی ایران دانسته است.

سپس کتاب دیگری در کفر شیعه به نام تاریخی دستاویز نوشت و سعی کرده این‌گونه وانمود کند که تمام علما حکم به کفر شیعه داده‌اند، در دوسوم کتاب شواهدی از کتب شیعه جمع کرده که شیعیان به صحابه خصوصا شیخین توهین می‌کنند و درنتیجه فتاوایی را آورده که شیعه کافر می‌باشد. البته علمای تراز اول دیوبند هیچ‌کدام از روش و منش سپاه صحابه در تکفیر و خصوصا کشتار مسلمین حمایت نکرده گرچه بعضاً متأسفانه در مقابل آنان موضع محکمی نیز گرفته نشده است.

🔴 نتیجه

با توجه به تبیین اصول و ضوابطی که از ناحیه بزرگان دیوبند در باب اسلام و کفر بیان شد و احتیاطی که علمای دیوبند پیرامون تکفیر اهل قبله کرده‌اند به این نتیجه می‌رسیم که دیوبند جریان اعتدالی و به‌دوراز افراطی‌گری می‌باشد، گرچه بعضا در مکتب دیوبند شاهد جریان‌های افراطی هستیم اما نمی‌توان این مکتب را تکفیری قلمداد کرد.

تفاوت‌های وهابیت با اهل سنت

بدعت و انحراف

🔴 حجت‌الاسلام‌والمسلمین عباس پورسعیدی

برای جریان شناسی و شناخت اهل سنت، بایستی در حوزه فقه، عقاید و طریقت ورود پیدا کرد و اهل سنت را از این منظر دید، چراکه هر یک تفاوت‌های خاص خود را دارند.

🔴 حنفیه، تابع عقل

اولین مکتب فقهی اهل سنت به لحاظ تاریخی توسط نعمان بن ثابت یا ابوحنیفه (۸۰-۱۵۰ ه‍.ق) تشکیل می‌شود، او شاگرد حماد بن ابی سلیمان است، حماد شاگرد ابراهیم و ابراهیم شاگرد عبدالله بن مسعود است. ابوحنیفه از قیام زید پسر امام سجاد (ع) حمایت می‌کند و آن را تشبیه به‌روز بدر می‌کند، برای قیام او کمک مالی می‌فرستد و حکومت را حق بنی‌هاشم می‌داند، حکومت عباسی‌ها را جایز نمی‌داند و به خاطر نپذیرفتن منصب قضاوت از جانب عباسی‌ها اذیت، آزار و شکنجه می‌شود و در اثر همان هم از دنیا می‌رود.

🔴 مالکی، تابع اخبار و احادیث

مکتب مالکی، دومین مکتب فقهی به رهبری مالک بن انس متولد مدینه است، کنار قرآن و سنت، عمل اهل مدینه از منابع استنباط مالک است. مالکی‌ها در ایران نیستند و در خاورمیانه هم حضور ندارند، بیشتر حضور مالکی‌ها در آفریقا است که در کل هم جمعیت زیادی را شامل نمی‌شوند.

🔴 شافعی، ترکیبی از عقل و نقل

سومین مکتب از آن محمد بن ادریس شافعی است که نزدیک‌ترین مذهب اهل‌سنت به شیعه شافعی می‌باشد. شافعی شاگرد مالک و با هر دو مکتب قبل از خودش آشناست، نقلی و عقلی را خوب می‌شناسد، در شعری معروفش می‌گوید حب علی و فاطمه رفض است، ایشان می‌گوید اگر دوست داشتن این‌ها (اهل‌بیت) رفض است، جن و انس شهادت بدهند که من رافضی هستم. شافعی‌ها ازنظر جمعیتی دومین مذهب بعد از احناف هستند و پراکندگی آن‌ها در ایران از جنوب ایران یعنی هرمزگان شروع می‌شود و در بوشهر، کرمانشاه، کردستان، آذربایجان، ایلام و بخشی از گیلان حضور دارند.

🔴 چهارمین مکتب، حنبلی

چهارمین امام اهل سنت احمد بن حنبل (متوفای ۲۵۴) است، در زمان محنت قرآن زندگی می‌کرده، زمانی که دعوا بر سر اینکه آیا قرآن خلق‌شده یا نشده است، قدیم است یا حادث. احمد یک اعتقادنامه و مرام‌نامه‌ای دارد که از ابوبکر خلال نقل‌شده است. این اعتقادنامه به جایگاهی رسید که معیار سنی از غیر سنی شد. اهل سنت می‌گفتند هر تفکری که در مرام‌نامه احمد آمده، اعتقاد ماست و هر چیزی که با مرام‌نامه احمد هم‌خوانی نداشت بدعت بوده و از عقاید اهل سنت نیست، برای همین چند دهه‌ای طول می‌کشد تا این‌ها بپذیرند که ابوحنیفه و احناف هم جزو اهل‌سنت هستند، حنبلی در ایران نداریم و مقداری در شام و مقداری در عربستان هستند.

🔴 عقاید اهل سنت

درگذشته در بحث عقاید دودسته وجود داشت، یکی گرایش عقلی محض و یکی هم گرایش خبری محض. یک عده معتقد بودند در عقاید فقط حرف اول و آخر را باید عقل بزند و سراغ نقل نمی‌رفتند، اسم این‌ها معتزله بود.

گرایش دیگر اهل حدیث است که می‌گوید عقل اگر می‌خواست راه باز کند، این‌همه اختلاف بین عقلا پیش نمی‌آمد.گرایش سوم شیوه اعتدال را برگزید و ترکیبی از عقل و نقل می‌باشد، مکتب ماتریدیه و دیگری مکتب اشاعره دارای این گرایش‌اند. معتزلی‌ها که از بین رفتند، ممکن است کسی مثلا در فقه از مکتب امام شافعی تابعیت کند ولی اعتقاداتش را از اهل حدیث بگیرد.

🔴 طریقت

اما در بحث طریقت‌ها اگر بخواهیم یک تقسیم ثنایی داشته باشیم، باید بگوییم آیا این فرد سنی طریقت‌ها را قبول دارند یا نه؟ البته غالب اهل سنت با طریقت‌ها مشکل ندارند، منظور از طریقت همان منش و مسلک عرفانی و صوفیانه است که در پی یک شیخی صورت می‌گیرد و یک سری آداب اخلاقی و اذکار هم دارد که تعداد آن‌ها زیاد است ولی طریقت‌های مشهور چهار طریقت نقشبندیه، قادریه، چشتیه و سهروردیه هستند.

🔴 وهابیت کجاست؟

حال باید به این سؤال جواب داد که جایگاه وهابیت کجاست؟ رابطه وهابیت با اهل سنت چگونه تبیین می‌شود؟ اینکه می‌گوییم وهابیت با اهل سنت تضاد دارند منظور چیست؟ این روندی که ذکر شد تا قرن هفتم پابرجا بود، در قرن هفتم احمد بین عبدالحلیم معروف به ابن تیمیه از یک خانواده حنبلی در شام ظهور می‌کند، عالمی است که تألیفات زیادی دارد اما با صوفیان اصلا میانه خوبی ندارد. ردی بر محی‌الدین و ابن عربی دارد.ابن تیمیه در شام و در فضای اهل سنت بود و شروع کرد به ابراز چند عقیده خاص مانند اینکه سفر برای زیارت، زیارت قبر حتی قبر رسول‌الله حرام، نذر برای غیرخدا، توسل به غیرخدا، استغاثه به غیرخدا حرام است، او همه این‌ها را با عنوان شرک بیان کرد. این حرف‌ها در جامعه خودش یعنی شام سروصدا ایجاد کرد، دادگاهی تشکیل دادند و نمایندگان از چهارمذهب اهل سنت در دادگاه حاضر شدند و هر چهار مذهب حرف‌هایش را نپسندیده، مخالف مبانی اهل سنت تشخیص می‌دهند و زندانی‌اش می‌کنند؛ ابن تیمیه در سال ۷۲۶ زندانی می‌شود و در سال ۷۲۸ در زندان می‌میرد، بعد اعلام کردند که هر کس بر دین ابن‌تیمیه باشد مسلمان نیست.

نکته‌ای که باید بدان توجه کرد این است که ابن تیمیه مباحث فقهی را رنگ عقایدی داد، افعال مکلفین در حوزه فقه است؛ رفتن به زیارت یا واجب است یا مستحب یا مباح یامکروه یا حرام. به این منوال حتی قبل از ابن تیمیه هم بود. لذا برخی مثلا توسل به غیر خدا را مکروه می‌دانند یا غیره.

اما حرف جدید ابن تیمیه این را رنگ عقایدی زد و گفت این‌ها شرک است و فاعل این اعمال از دایره اسلام خارج می‌شود و خون و مال و ناموسش هدر می‌شود، قبل از او برفرض هم که کسی قائل به حرمت زیارت قبور باشد، می‌گفت کسی که این کار را انجام می‌دهد مرتکب گناهی شده است مثل نگاه به نامحرم. ولی «شرک» که شد یعنی از مرز اسلام خارج‌شده است. ابن تیمیه شاگردی بنام ابن قیم جوزی دارد که اندیشه‌اش را ترویج کرد. بعد از شاگردش خبری از اندیشه‌اش نیست تا قرن ۱۲ که دوباره این نگاه در سه ناحیه رشد می‌کند. دریمن ابن امیر صنعانی، در شبه‌قاره هند شاه ولی‌الله دهلوی، در شبه‌جزیره عربستان محمد بن عبدالوهاب.

محمد بن عبدالوهاب حنبلی کاملاً اندیشه ابن تیمیه را می‌پذیرد، ابن تیمیه در شام عالم پرور این حرف را زد و زندانی شد ولی محمد بن عبدالوهاب در بیابان‌های شبه‌جزیره گفت و با حاکم عصر خودش یعنی آل‌سعود پیوند برقرار کرد، بعد حمایت انگلیس و پول نفت، شکست عثمانی و ضعف مسلمین و استعمار غربی‌ها، تقویت بنیه مالی و رسانه‌ای وهابیت و چتر حمایتی که عربستان بر سر افراطیون بنا می‌کند، آنچه شده است را واقع می‌کند.

ولی متأسفانه امروز کسانی می‌خواهند بگویند که اهل سنت همان وهابیت است، پس وهابیت از اهل سنت نیست با این بلایی که خود اهل سنت بر سر ابن تیمیه می‌آورند. نکته دوم اینکه آیا همه اهل سنت می‌دانند وهابیت از این‌ها نیست؟ نه همه نمی‌دانند، نکته سوم چرا گرایش به وهابیت زیاد است؟ جواب اینکه این سؤال از کجاست و چه کسی گفته که گرایش به وهابیت زیاد است؟ وهابیت در آفریقایی که ازلحاظ مادی و فرهنگی در ضعف هستند، بیشترین هزینه را کرد ولی کمترین نتیجه را گرفت، دلپیش این است که در آفریقا طریقت‌ها خیلی فعال هستند و این دو باهم جمع شدنی نیستند، طریقت یعنی ذکر، توسل و حلقه که این‌ها همه در وهابیت شرک است.